

اساس شواهدی سست به راه انداخت.

اتحادیه استادان دانشگاه آمریکا و انجمن مطالعات خاورمیانه، گزارشی تهیه کردند، درباره استفاده از قوانین حقوق مدنی به مثابه سلاح برای سرکوب بیان در دانشگاه‌ها. این گزارش گفت: «فلسطین، کمتر از آن که استثنایی برای آزادی دانشگاهی باشد، بهانه‌ای برای حذف کامل این هنجار است.» اما آزادی بیان بیشتر از یک هنجار است. آزادی بیان یک حق مصرح در قانون اساسی است که در متمم اول تثبیت شده است.

متأسفانه، ممکن است دولت به زودی دیگر آزادی‌های اساسی را هم تضعیف کند. اخیراً فرمانداران تگزاس و فلوریدا تصمیم گرفتند، «شورای روابط آمریکایی اسلامی» را یک گروه تروریستی اعلام کنند. این شورا، یک سازمان داخلی [آمریکایی] برای حقوق مدنی مسلمانان است. بسیاری نگران هستند بعد از این تصمیمات، دولت هم اقدام مشابهی کند و حمله‌ای به اساس آزادی تشکل داشته باشد. چنین تلاش‌هایی، البته با هدف گرفتن حامیان حقوق فلسطینیان و مسلمانان، شروع شده‌اند، اما بعید است که کار همین جا تمام شود و این روند پیامدهایی برای اساسی‌ترین آزادی‌های آمریکایی‌ها خواهدداشت.

اما حمایت از اسرائیل همچنان روبه کاهشی است

برغم سرکوب شدت‌یافته بیان در حمایت از فلسطین و همزمان، تلاش‌های هماهنگ حامیان اسرائیل برای سرکوب گردش اطلاعات درباره فجایع روزمره‌ای که بر سر فلسطینیان می‌آید، اسرائیل همچنان با ریزش شدید حمایت عمومی در ایالات متحده مواجه است. اکثریت آمریکایی‌ها، یعنی ۵۳ درصد، در ماه آوریل نگاهی منفی به اسرائیل داشتند. یک نظرسنجی در ماه اوت دریافت که ۶۰ درصد از رأی دهندگان، با ارسال کمک نظامی بیشتر به اسرائیل مخالف هستند. این تغییر، به‌خصوص در جناح چپ شدت دارد. ۷ نفر از هر ۱۰ دموکرات گفتند اسرائیل در عملیات نظامی خود در غزه، «زیاده‌روی کرده است». با این حال، حتی در میان جمهوری خواهان هم اکثریت افراد زیر ۴۵ سال می‌گویند برای سال ۲۰۲۸، نامزدی برای ریاست جمهوری تر جیح می‌دهند که کمک‌های امنیتی ایالات متحده به اسرائیل را کاهش دهد. قابل توجه اینکه ۳۹ درصد از یهودیان آمریکا، اقدامات اسرائیل را «نسل کشی» توصیف کرده‌اند. در همین حال، برخی نامزدهای انتخابات میان‌دوره‌ای ۲۰۲۶، از هر دو حزب، حاضر نشده‌اند از «کمیته آمریکایی امور عمومی اسرائیل» یا همان ایپک، پول [حمایت مالی برای ستادهای انتخاباتی] بگیرند. این بازتابی از یک شکاف در ائتلاف ترامپ است.

بسیاری در آن اردوگاه، به شکلی فزاینده به این سؤال می‌پردازند که دولت ترامپ، چطور می‌تواند ادعای شعار «اول آمریکا» کند، وقتی ترجیحات اسرائیل، به‌وضوح تعیین‌کننده سیاست خارجی ایالات متحده نسبت به خاورمیانه هستند.

اسرائیل و حامیانش، برغم حاکم‌تر تلاش، کنترل روایت را از دست داده‌اند: اندکی بعد از ۷ اکتبر، میلیاردهای آمریکایی با دولت نتانیاهو هماهنگ کردند که مواضع حامی اسرائیل را پخش و گسترده کنند. در شرایطی که کشتار در غزه، بی‌وقفه و بی‌امان ادامه داشت، اسرائیل روزنامه‌نگاران را هدف گرفت. این تلاشی بود تا جریان اطلاعات را بندد بیآورند؛ با این حال، حتی نور چشمی‌های جریان لیبرال، مثل سارا هورویتز، سخنرانی نویس اوپاماهم اذعان کرد وقتی تلاشی می‌کند در دفاع از اسرائیل فعالیت کند، دارد «از میان دیواری از کودکان مرده صحبت» می‌کند. تلاش‌های میلیاردهایی مثل لری الیسون برای خرید تیک‌تاک و نیز تلاش‌های متا برای سانسور اطلاعات درباره فلسطین، تا اینجا یی کار، در برگرداندن ورق افکار عمومی ناموفق بوده‌اند. افسانه نمایان‌پذیری منافع بین آمریکا و اسرائیل، در هم شکسته شده است. به نظر بعید می‌رسد که این افسانه، در سال ۲۰۲۶، دوباره سر بر آورد. لاقال نه کاملاً.

ترجمه:روح‌النخعی

نویسندگان مقاله



آخاند الجندی پژوهشگر ارشد برنامه خاورمیانه در اندیشکده کوئینسی



آتل شلین پژوهشگر برنامه خاورمیانه در اندیشکده کوئینسی برای حکمرانی مسئولانه و مقام سابق اداره دموکراسی، حقوق بشر و کار در وزارت خارجه ایالات متحده آمریکا که در اعتراض به سیاست‌های دولت بایدن در قبال اسرائیل و غزه استعفا یی علنی داد

ممکن است دولت به زودی دیگر آزادی‌های اساسی را هم تضعیف کند. اخیراً فرمانداران تگزاس و فلوریدا تصمیم گرفتند، «شورای روابط آمریکایی اسلامی» را یک گروه تروریستی اعلام کنند. این شورا، یک سازمان داخلی تصمیم گرفتند، «شورای روابط آمریکایی اسلامی» را یک گروه تروریستی اعلام کنند. این شورا، یک سازمان داخلی تصمیم گرفتند، «شورای روابط آمریکایی ابرای حقوق مدنی مسلمانان است. بسیاری نگران هستند بعد از این تصمیمات، دولت هم اقدام مشابهی کند و حمله‌ای به اساس آزادی تشکل داشته باشد

پنجشنبه ۱۱ دی ۱۴۰۴
سال چهارم. شماره ۹۷۲
www.hammihanonline.ir



نگاه تحلیلگر

تلاش تشکیلات خودگردان برای تصویب قانون احزاب، چه چشم‌اندازی دارد

تقنین برای حماس، بی حاصل و پرخطر

بیرون نگه دارند. دیگران امیدوارند در را برای مشارکت حماس باز نگه دارند. این اغلب نه به خاطر علاقه به حماس، بلکه به خاطر تسلیم در مقابل این حقیقت است که این گروه احتمالاً حضور مستمری در جامعه فلسطینی خواهدداشت. تلاش‌های اسرائیل هم برای نابودی اش، نه‌تنها منجر به ویرانی و خشونت‌ی هولناک و بی‌سابقه شده، بلکه در نهایت ناکام بوده است. دسته شمول‌گرا، شاید امیدوارند حماس را مجاب کنند، خودش را به حزبی سیاسی تبدیل کند. این کار، غیرممکن نیست، اما نیاز به نهادهای دموکراتیک بسیار قدرتمندتر و زمانی بسیار بیشتر از اینی خواهد داشت که فلسطینیان الان در اختیار دارند. گروه انحصارگرا، در بسیاری از بحث‌ها غالب به نظر می‌رسد، اما موفقیت این گروه، مشکلاتی عمیق با خود خواهد آورد. اول، سؤال فقط این نیست که وقتی درها قفل شد، چه کسی بیرون خواهد ماند، بلکه این هم مهم است که چه کسی داخل خواهد ماند. قانونی محدودکننده، در دستان مقامات حزبی، اثری مشابه این خواهد داشت که روی آخرین اخگرهای دموکراتیک که در سیاست فلسطین دوام آورده‌اند، آب بریزند. این تضمین خواهد کرد که حاکمان، نتایج انتخابات را تعیین می‌کنند، به جای اینکه برعکسش اتفاق بیفتد. دوم، پیروزمندان انتخاباتی تحت هر گونه قانون این چنینی برگزار شوند، از مشروعیت دموکراتیک بهره‌مند نخواهند بود. در واقع، درست برعکس این رخ خواهد داد: هیچ‌کس فریب نخواهد خورد که باور کند هدف این تلاش‌ها، تقویت دموکراسی است. قوانین انحصارگرایانه پیشنهادی، الان به شکلی گسترده در گفت‌وگوهای عمومی فلسطینی به بحث گذاشته شده‌اند و خارج از حلقه‌های محدودرسمی، عمدتاً مورد انتقاد هستند. در فضایی که در آن، رهبران از محبوبیت اندکی بر خوردارند، تشویق آن‌ها به اقداماتی چنین محدودکننده، احتمالاً اثر منفی خواهد داشت. سوم، به مسئله بازیرگان سیاسی جدید احتمالی برمی‌گردد، مثلاً آن‌هایی که شاید از حماس خارج می‌شوند اما همچنان می‌خواهند نظر اردوگاه اسلام‌گرا را به خود جذب کنند؛ یا جنبشی جدید با هدف سازمان‌دهی جوانانی که عمیقاً با صحنه سیاست بیگانه شده‌اند؛ یا فراکسیونی از ناراضیان فتح. قانونی که به رهبران فعلی، درباره این که چه کسی می‌تواند حزب تشکیل دهد، عملاً حق وتو می‌دهد، ممکن است همه این بازیگران سیاسی جدید را ممنوع کند. در نهایت، باید اذعان کرد، بخش زیادی از توجه بین‌المللی به ممنوعیت حماس، در راستای تلاش برای احیای فرایند دیپلماتیک بین اسرائیلی‌ها و فلسطینیان است؛ با این حال، رهبران اسرائیل، چنین تلاش‌هایی را کاملاً پس می‌زنند. تلاش برای تنظیم دقیق قوانین فلسطینی، به نحوی که دغدغه‌های اسرائیلی را رعایت کند، همواره تلاشی سبزیفی بوده است، حتی در دوران دولت‌هایی در اسرائیل که مایل بوده‌اند یا رهبران فلسطینی کار کنند. دولت کنونی هم با قاطع‌ترین ادبیات ممکن روشن کرده که تشکیلات خودگردان را معادل حماس می‌بیند، دولت فلسطینی را تهدیدی وجودی حساب می‌کند و در تلاش است، به لحاظ مالی و دیپلماتیک، رهبران فلسطینی را خفه کند. دیپلماسی بین‌المللی، اگر خواسته‌هایی را که عملاً و البته به شکل فزاینده عمداً پایان‌ناپذیر هستند، به‌هفت‌خوانی ترجمه کند که رهبران فلسطینی باید از آن بگذرند، نتیجه‌ته‌تها انحرافی، بلکه مخرب هم خواهد بود. این منجر به انزوا ی بیشتر مقامات ارشد می‌شود؛ در میان مردمی که بناست این‌ها رهبری شان کنند. اگر هدف بیرون نگه داشتن حماس است، تقریباً هر سازوکار قانونی که در این قانون احزاب بیاید، ابزار ناکارآمدی خواهد بود. ممکن است افراد نزدیک به این جنبش تلاش کنند حزبی بسازند تا صلاحیت بیابند، اما معلوم نخواهد بود ارتباطشان با این جنبش چیست. آیا دارند از حماس منشعب می‌شوند، از سوی حماس تحمل می‌شوند یا تحت فرمان او عمل می‌کنند؟ این انتظار که نهادهای ضعیف و حزبی تشکیلات خودگردان، برای جنبشی که هیچ وضعیت قانونی ندارد، قواعد رسمی شکل دهند، انتظاری واهی است، اما بی‌عواقب نیست. آن‌هایی که به هر نوع «اصلاح» در معانی جدی آن علاقه دارند، باید تلاش برای مدیریت مسئله‌شان با حماس از طریق یک قانون احزاب را‌ها کنند.

آگهی مفقودی
برگ سبز سند کمپانی و تسلسل اسناد محضری خودروی سواری پړو آر دی مدل ۱۳۸۱ رنگ سفید شماره موتور ۱۳۱۴۹۱۲۹ شماره شاسی ۱۳۱۴۲۲۸۱۸۸۵۵۲۳ شماره پلاک ۴۳ ایران ۲۸۹ م ۲۳ به نام امید علی کریمی مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

دیپلمات‌ها



مانع احیای تحریم‌های پیشین ایران می‌شویم

دمیتری پولیانسکی، نماینده جدید روسیه در «سازمان امنیت و همکاری اروپا» گفت: «به‌نظر ما این به اصطلاح سازوکار بازگردانی سریع (تحریم‌ها) وجود ندارد، مگر در واقعیت موازی‌ای که تروئیکای اروپا در تلاش برای ایجاد آن هستند، ما بر اساس حقوق بین الملل عمل می‌کنیم که بر اساس آن، بریتانیا، فرانسه و آلمان به دلیل اجرا نکردن قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت حق استفاده از این سازوکار را از دست داده‌اند.» پولیانسکی که پیش از این معاون نماینده دائم روسیه در سازمان ملل بود، افزود: «بر این اساس، این قطعنامه برای ما و شرکای هم‌فکرمان، در ۱۸ اکتبر ۲۰۲۵ (۲۶۲۰ مهر) منقضی شد. بنابراین، ما قطعاً با هر گونه تلاش برای احیای سازوکارهای تحریمی پیشین علیه ایران در شورای امنیت که در سال ۲۰۱۵ ذیل قطعنامه ۲۲۳۱ لغوشده، مخالفت خواهیم کرد.»

ادامه از صفحه اول

نمونه واضح آن، همین مخالفت علنی و رسانه‌ای مدیرمسئول کیهان با اظهارنظر سخنگوی دولت درباره «به رسمیت شناختن اعتراضات و لزوم شنیدن صدای آنان» است. در این ماجرا، نظری که قرار است ملاک عمل دستگاه‌ها قرار گیرد، کدام نظر است؟ اگر نظر سخنگو به عنوان دیدگاه رسمی دولت ملاک عمل است پس برای چه از درون ساختار قدرت با آن مخالفت می‌شود؟ و اگر نظر مدیرمسئول کیهان معیار برخورد است، پس آن دم‌ودستگاه دولت چه‌کاره است و اصلاً برای چه به وجود آمده است؟

این موضوع آسیب‌ آشکار در امر حکمرانی است اما

به‌رغم هشدارهای مکرر منتقدان و صاحب‌نظران، گویا قرار نیست مورد کوچک‌ترین توجه و اعتنایی قرار گیرد.

مردم ما هر روز، صبح‌شان را با خواندن یا شنیدن صداهای متضادی از درون حاکمیت در مورد مسائل

خرد و درشت کشور آغاز می‌کنند و در پایان روز با خود می‌گویند که در این کشور نهایتاً کی چه‌کاره است؟

به واقع بسیاری از مشکلات و معضلات و بحران‌های

امروز جامعه ایران در همین چندگانگی بدخیم ورو

به تزیید ریشه دارد و اداره کشور را از حالت «طبیعی»

آن خارج کرده است. در حقیقت، داستان به اندازه‌ای

بفرغ شده است که حتی اگر از ضرورت «طبیعی» و

«نرمال» شدن کشور سخنی به میان آید، با واکنش

عصبی و تهدیدآمیز برخی از همین محافل درون

حکومتی که اقتدار دولت را تکه‌پاره و عملاً مضمحل

کرده‌اند، روبه‌رو می‌شود.

وضعیت نرمال یا طبیعی که نقطه مطلوب حکمای

یونان در همه عرصه‌ها به‌خصوص عرصه سیاست

بوده است، در واقع جز «قرار گرفتن هر چیزی به

جای واقعی خود» معنای دیگری نمی‌دهد. امام

علی‌بن‌ابی‌طالب نیز «عدالت» راتحت‌همین مضمون

و با همین عبارت، تعریف کرده است. با این حساب،

چرا عده‌ای در درون ساختار قدرت رسمی از نرمال و

طبیعی شدن وضعیت کشور برمی‌آشوبند؟ آیا جز این

است که حیات و منافع‌شان در غیرنرمال و غیرعادی

بودن کشور است؟ اما مگر امر غیرعادی و غیرنرمال تا

چه اندازه می‌باید ودوام می‌آورد؟ امر غیرعادی در روند

خود گره بر گرهِ می‌زند و مشکل بر مشکل می‌افزاید

و جامعه را با تناقض‌های غیرقابل رفع و به عبارتی با

بن‌بست مواجه می‌سازد. درست به همین دلیل است

که عموم دولت‌ها و جوامع از وضعیت غیرنرمال به

سنت وضعیت نرمال فرار می‌کنند تا چار انباشتگی

بحران و بن‌بست ناشی از آن نشوند. اکنون چند دهه

است که جامعه ایران به دلیل وجود انواع مشکلات، به

طور متناوب صحنه اعتراض و ناآرامی بخشی از مردم

می‌شود. عموم دولت‌های سه‌دهه اخیر در جریان هر

اعتراض و ناآرامی وعده داده‌اند که برای سامان دادن

به امر اعتراض که حق طبیعی و مدنی اقشار مختلف

مردم است، مکان‌های مشخصی را در هر شهر و آبادی

برای تجمع معترضان اختصاص خواهند داد. با این

حال هیچ‌کدام از آنها موفق به برداشتن یک گام در

جهت عملی کردن وعده خود نشده‌اند! چرا؟ چون

مخالفی که از منابع عمومی و دولتی ارتزاق می‌کنند

و بخشی از ساختار رسمی قدرت محسوب می‌شوند،

با نرمال شدن و به عبارتی با سامان گرفتن امور کشور

میانه‌ای ندارند و با هر اقدام سامان‌بخش به مخالفت

برمی‌خیزند. آیا این چندپارگی قابل اصلاح است؟

اصلاح آن در درجه نخست به شناسایی و به رسمیت

شناختن این آسیب بدخیم از سوی مجموعه قوای

حاکم بستگی دارد. آنها اما به دلیل سال‌ها تنفس در

هوای وضعیت غیرنرمال، چنان به آن خو گرفته‌اند

که پندار تصویری از وضعیت به سامان و نرمال ندارند و

حتی از تحقق آن احساس بیم می‌کنند!

آگهی مفقودی

برگ سبز سند کمپانی و تسلسل اسناد محضری خودروی سواری پړو آر دی مدل ۱۳۸۶ رنگ نوک مدادی شماره موتور۱۱۶۸۶۰۰۸۵۴۸ شماره شاسی ۶۱۳۲۵۸۳۶ شماره پلاک ۲۴ ایران ۱۱۸ ی ۱۵ به نام احمد بلوطکی مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.